

## نظام حقوقی حاکم بر اداره و مسولیت شرکتهای هلدینگ در نظام حقوقی ایران و فرانسه

ناهید کامرانزاده<sup>۱</sup>، مصطفی ماندگار<sup>۲</sup>، مهسا حسینی مقدم<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** با توجه به نقش و اهمیت شرکتهای هلدینگ، امروزه شاهد گسترش رو به رشد این شرکتهای هستیم. با توجه به ساختار خاص این شرکتهای، اداره و مسولیتهای آنها در قوانین نیازمند توجه و بررسی می‌باشد. از این رو، در این تحقیق به بررسی این امر می‌پردازیم که بر اداره و مسولیت شرکتهای هلدینگ در حقوق ایران و فرانسه چه نظامی حاکم می‌باشد؟

**روش:** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**یافته‌ها و نتایج:** در قوانین ایران در موارد متعددی از جمله در بند ۲۲ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار، قانون برنامه چهارم توسعه، بند ۱۸ ماده یک قانون اجرای سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ و ماده ۲۶۶ لایحه جدید قانون تجارت به توصیف شرکت هلدینگ پرداخته است.

در قانون ایران، در صورتی که بخواهیم در برابر تعهد شرکت تابعه‌ای علاوه بر هلدینگ، شرکت‌های تابعه دیگری را که تحت مدیریت واحد یک هلدینگ به فعالیت می‌پردازند، مسئول بدانیم، می‌توان علاوه بر تمسک به قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم»، از نهاد عاقله نیز کمک جست. در قانون فرانسه چنانچه شرکت تابعه مرتکب تقصیر شود، اثبات ارتکاب تقصیر از سوی شرکت مادر کار آسانی نیست. می‌توان بر این عقیده بود که شرکت مادر وظیفه مراقبت را برای خودش به بازرترین شکل مقرر داشته و در نتیجه، پذیرش مسولیت آن در قبال اقدام زیان‌بار شرکت وابسته آسان‌تر است.

**کلیدواژه‌ها:** شرکت هلدینگ، شرکت تابعه، نظام حقوقی ایران، مسولیت، نظام حقوقی فرانسه.

\* استناددهی (APA): کامرانزاده، ناهید؛ ماندگار، مصطفی؛ حسینی مقدم، مهسا. (۱۴۰۰). نظام حقوقی حاکم بر اداره و مسولیت شرکتهای هلدینگ در نظام حقوقی ایران و فرانسه. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴(۵۳)، ۳۸۱-۴۰۰.  
[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_690456.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_690456.html)

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

رایانامه: nahidkamranzadeh@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: drmandegar@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

رایانامه: mahsa.hosseini.m@gmail.com



## مقدمه

صاحبان مشاغل همیشه به دنبال راه‌هایی برای محافظت از دارایی‌های کسب و کار خود هستند. و در طول سالها، تعدادی استراتژی برای کمک به آنها در انجام این کار ایجاد شده است. یکی از مؤثرترین آنها، تقسیم کسب و کار به چندین نهاد تجاری است که همگی تحت مالکیت و کنترل یک شرکت هلدینگ واحد هستند. استفاده از ساختار شرکتهای مادر تخصص در بسیاری از کشورهای و در برخی از کشورهای در حال توسعه، متداول است. بسیاری از شرکتهای بزرگ و مهم از این ساختار استفاده کرده‌اند.

در حال حاضر، بر تعداد و بر اثربخشی اقتصادی شرکت‌های هولدینگ افزوده شده است. این شرکتها اکنون نقشهای مهمی را از لحاظ کشف نیازهای نهفته بازار و ارزش آفرینی برای مشتریان، سهامداران و سایر ذی‌نفعان ایفا می‌کنند (حنفی‌زاده و دیگران، ۲۰۰۸: ۳).

تولد نهاد هلدینگ در آمریکا و پس از تجویز سهامداری شرکت‌ها در یکدیگر در سال ۱۸۹۹ رخ داد. ترمه این تولد ایجاد لایه‌های متعدد شرکت و امکان اخذ سود بدون تقبل مسوئیت احتمالی و واسپاری مسوئیت به لایه‌های مذکور بود که در عمل، زمینه برای بی‌عدالتی و انجام فعالیت‌های پرریسک فراهم گردید. هرچند قدرت ریسک‌پذیری خود محرک اصلی در امر تولید و اقتصاد است، اما این قدرت نباید بی‌محابا اعمال گردد و می‌بایست با محاسبه دقیق و امکان‌سنجی بازار صورت پذیرد. از این رو در صورتی که مسوئیت متوجه خود ریسک‌کننده باشد، ملاحظه و مذاقه وی بیشتر بوده و این قدرت مهار می‌گردد، ولی در صورتی که وی بطور کامل از مسوئیت مبرا باشد، در نهایت این قدرت ریسک‌پذیری نه تنها باعث رونق اقتصاد کشور نمی‌شود، بلکه موجب رکود و بروز ورشکستگی اشخاص متعدد در بازار می‌گردد (عبدی پور و کریمی، ۱۳۹۸: ۱۸۱).

اگرچه یک شرکت هلدینگ مالک دارایی‌های شرکت‌های دیگر است، اما اغلب فقط ظرفیت‌های نظارتی را حفظ می‌کند. بنابراین، در حالی که ممکن است بر تصمیمات مدیریت شرکت نظارت کند، به طور فعال در اجرای عملیات روزانه این شرکت‌های تابعه شرکت نمی‌کند. شرکت‌های هلدینگ همچنین ممکن است دارایی‌هایی مانند املاک و مستغلات، ثبت اختراعات، علائم تجاری، سهام و سایر دارایی‌ها باشند. بر این اساس، در این پژوهش به دنبال بررسی ماهیت شرکت هلدینگ و مطالعه اداره و مسوئیت شرکت‌های هلدینگ هستیم. برای شناخت بهتر پیرامون این موارد، این مطالعه را بطور تطبیقی در نظام حقوقی ایران و فرانسه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۱. ماهیت شرکت هلدینگ

ساختار شرکت هلدینگ در بین شرکت‌های بزرگ با واحدهای تجاری متعدد محبوب است و این امر به ساختار و ماهیت خاص آن باز می‌گردد که در ادامه به مطالعه مفهوم و ماهیت آن می‌پردازیم.

### ۱,۱. مفهوم هلدینگ

شرکت مادر یا هلدینگ، شرکتی است که با دارا بودن چند شرکت تابعه و اعمال نفوذ و کنترل بر آنها، شرکت‌های تحت پوشش را در مسیر ارزش آفرینی و هم‌افزایی هدایت و رهبری می‌کند. هرچند شرکت‌های هلدینگ قدمت طولانی در عرصه تجارت دارند و نقش عمده‌ای را در اقتصاد کشورها ایفا می‌کنند، ولی دانش بشری در مورد نحوه مدیریت آنها اندک است (سبحان‌اللهی، ۱۳۹۱: ۱۶)؛ به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از شرکت‌ها که شرکت اصلی آن‌ها را مدیریت می‌کند. شرکت مادر، در یک تعریف ساده شرکتی است که اداره سایر شرکت‌ها را در اختیار دارد (بابایی، ۱۳۸۳: ۱۶).

در تعریف دیگر، شرکت مادر، شرکتی است که دارنده سهام شرکت یا شرکت‌های دیگری باشد. به عبارت بهتر، شرکت مادر، شرکتی است که دارنده بخش زیادی از سهام این شرکت‌هاست و به این ترتیب، بر آن شرکت‌ها کنترل دارد. شرکت‌هایی که شرکت مادر آنها را تحت کنترل خود دارد، شرکت اقماری خوانده می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰: ۴).

در بند ۲۲ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار در توصیف شرکت هلدینگ آمده است: «شرکت مادر (هلدینگ) شرکتی است که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر جهت کسب انتفاع، آن قدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل عملیات شرکت، هیئت‌مدیره را انتخاب کند و یا در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره مؤثر باشد.» بر اساس ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار مصوب هیئت‌وزیران، شرکت‌های هولدینگ از مصادیق نهادهای مالی محسوب می‌شود.

در قانون برنامه چهارم توسعه نیز در مواردی به شرکت‌های مادر تخصصی اشاره شده: در موارد قانونی بعضاً در موارد معدود تعاریف پراکنده‌ای هم از هلدینگ آورده شده که عبارتند از: «در بند ۲۲ ماده یک قانون بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ چنین آمده است: (شرکتی که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر جهت کسب انتفاع، آن قدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل عملیات شرکت هیئت‌مدیره را انتخاب می‌کند یا در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره مؤثر باشد.»

در بند ۱۸ ماده یک قانون اجرای سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ چنین آورده شده که: «بنگاه یا شرکت کنترل‌کننده، بنگاه یا شرکتی است که از طریق تملک تمام یا قسمتی از سهام یا سرمایه یا

مدیریت یا از طریق دیگر فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها یا شرکت‌های دیگر را در یک بازار کنترل می‌کند.» در این تعریف، علاوه بر مالکیت سهام به مدیریت هم اشاره دارد، یعنی شرکتی که با تملک سهام یا مدیریت بتواند فعالیت شرکت‌های دیگر را کنترل کند و حتی عبارت «به طریق دیگر» هم ذکر شده که باعث وجود ابهام در این ماده شده است؛ یعنی بنگاه یا شرکت مادر از راه تملک سهام یا مدیریت یا هر راه دیگر بتواند فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های دیگر را کنترل کند... که مفهوم «کنترل‌کننده» هم دقیقاً مشخص نیست.

در ماده ۲۶۶ لایحه جدید قانون تجارت که هنوز تصویب نشده، آمده است: شرکت تابع شرکتی است که: ۵۰٪ آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم به شرکت دیگر تعلق دارد یا شرکتی است که به طرق پیش‌بینی شده در اساسنامه یا هر نحو از قبیل کسب اکثریت مدیران تحت کنترل شرکت دیگر باشد، شرکت تابع می‌گویند. حتی اگر کمتر از ۵۰٪ آن متعلق به شرکت کنترل‌کننده باشد، به شرکتی که از طرق مذکور، کنترل شرکت‌های دیگر را بدست آورده، شرکت مادر الصاق می‌کنند. شرکتی که به هر نحو از قبیل داشتن حداقل یک مدیر در شرکت یا سهامداری عهده تحت نفوذ قابل ملاحظه شرکت دیگر باشد، شرکت وابسته گویند.

شرکت تابع به شرکت‌هایی اطلاق می‌شود که شرکت مادر آنها را تحت کنترل خود دارد. از شرکت تابع ممکن است با دو مفهوم یاد شود: یکی، شرکت فرعی و دیگری، شرکت وابسته. در تعریف شرکت فرعی چنین آمده است: «شرکت فرعی، شرکتی است که درصد سرمایه‌گذاری شرکت اصلی در آن بیش از ۵۰ درصد بوده و یا کنترل آن در اختیار شرکت اصلی است.» (زنده دل، ۱۳۹۵: ۸).

برای توصیف بهتر به عنوان مثال، یک شرکت بزرگ را در نظر بگیرید که چندین کالای مصرفی مختلف، از جمله محصولات مراقبت از مو، محصولات مراقبت از پوست، محصولات مراقبت از نوزاد و غیره را تولید و به فروش می‌رساند. به جای استفاده از یک شرکت با بخش‌های مختلف، این شرکت می‌تواند با یک شرکت هلدینگ و چندین شرکت تابعه تشکیل شود. هر واحد تجاری می‌تواند به عنوان یک شرکت فرعی جداگانه اداره شود که در آن شرکت هلدینگ دارای سهام کنترلی است. علائم تجاری، تجهیزات و املاک و مستغلات شرکت نیز ممکن است در زیر مجموعه‌های جداگانه قرار گیرد و شرکت‌های عامل برای استفاده از علائم تجاری، اجاره تجهیزات و اجاره دفاتر آن هزینه پرداخت کنند.

## ۲.۱. خصوصیات شرکت هلدینگ

امروزه برخلاف روش‌های سنتی گذشته، بسیاری از سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به منظور باقی ماندن در محیط رقابت جهانی، بر این امر واقف‌اند که همه منابع و امکانات مورد نیازشان را

نمی‌توانند از یک مکان تهیه نمایند، چون ممکن است بخشی دسترسی ارزان به منابع و مواد اولیه را داشته باشد و بخش دیگر نیروی انسانی ارزان را در اختیار داشته باشد. از این رو، تشکیل شرکتهای هلدینگ این امکان را فراهم می‌آورد که شرکتها با استفاده از امکانات مناطق مختلف، فعالیت های شرکت خود را گسترش داده و با استفاده از مدیریتی واحد، انسجام لازم را بر کار خویش حاکم نمایند (جدیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

سرمایه‌گذاری شرکتهای هولدینگ و شیوه‌های مدیریتی آنها در شرکتهای اقماری بر اساس مجموعه عواملی که وابسته به ویژگی‌های شرکت مادر، ویژگی‌های کسب و کارها (شرکتهای تابعه) و شرایط بازار است. این عوامل نشان‌دهنده شرایط و آمادگی بنگاه هولدینگ برای سرمایه‌گذاری و شیوه‌های سرپرستی و ارزش‌آفرینی در شرکت‌های تابعه است. ویژگی‌های شرکت مادر در قالب مؤلفه‌هایی چون نقشه‌های فکری مدیران شرکت مادر، ساختارها، سیستم‌ها و فرآیندهای مادری، وظایف، خدمات مرکزی و منابع شرکت مادر، افراد و مهارتهای شرکت مادر و عدم تمرکز در روابط و تفویض اختیاری که از طرف شرکت مادر صورت می‌پذیرد، قابل‌شناسایی است (بالی و دیگران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۹).

در هر کسب و کاری، عوامل ویژه‌ای در میزان موفقیت هر سطحی از کسب و کار، نقش‌های خاصی بازی می‌کنند. این عوامل در هر نوع از کسب و کار متفاوت است. در یک کسب و کار، توانایی جذب و ایجاد انگیزش در افراد خلاق و استثنایی مهم است و در یکی دیگر، توانایی مدیریت هزینه‌های نیروی انسانی مهم است. صاحب‌نظرانی چون میلر<sup>۲</sup> و انسف<sup>۳</sup>، ضمن تأثیر عوامل کلیدی موفقیت در تدوین استراتژیهای رقابتی، عوامل مؤثر بر آن را درون‌سازمانی و برون‌سازمانی معرفی می‌کنند. تامسون<sup>۴</sup> و استریکلند<sup>۵</sup> نیز در کتاب مدیریت استراتژیک خود مدلی را معرفی می‌نمایند که در این مدل به دسته‌بندی عوامل کلیدی موفقیت می‌پردازد که در هفت گروه عوامل «تولیدی»، «تکنولوژی»، «توزیع»، «بازاریابی»، «مهارت»، «توانایی سازمان» و «سایر موارد» گروه‌بندی می‌شوند (تامسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱: ۶).

خصوصیات شرکت مادر، داشتن حق رأی در مجمع عمومی شرکتهای تابعه به موجب سهامدار بودن در این شرکتها و همین‌طور، توانایی انتخاب و یا عزل مدیران آن شرکتهاست که از آن به عنوان قاعده «سهام بلوک»، یعنی داشتن یک عضو هیئت مدیره نام برده می‌شود (جنیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۳).

شرکت هلدینگ به عنوان شرکت اصلی در گروه شرکتهای تجاری، نقش یک سرپرست را از

1. Bai et.al

2. Miller

3. Ansoff

4. Thompson

5. Strickland

6. Thompson

نظر مدیریتی و سازماندهی بازی نموده و با دارا بودن تعداد سهام لازم (اغلب بیش از ۵۰ درصد) در شرکتهای تابعه، فعالیت‌های آنها را کنترل می‌نماید و در مدیریت آنها نقش دارد (کاوایانی و قاسمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

از خصوصیات بارز دیگر شرکت هلدینگ این است که می‌تواند هم برای فعالیت‌های تجاری وسیع و هم فعالیت‌های تجاری خرد استفاده شود. همچنین، یک شرکت هلدینگ باید شرکت‌های تابعه خود را کنترل کند، اما لزوماً نیازی به مالکیت تمام سهام یا منافع عضویت ندارد. از آنجایی که شرکت‌های عامل نهادهای جداگانه‌ای هستند، سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌ها یا سایر سرمایه‌گذاری‌هایی که به نظر خطرناک می‌رسند، ریسک کمتری دارد. البته، مهم نیست که صاحبان و مدیران هلدینگ از آن مشاغل اطلاعی نداشته باشند، زیرا هر شرکت تابعه مدیریت خود را برای اجرای عملیات روزانه دارد. یک شرکت هلدینگ در کنار مزایا، دارای معایبی نیز می‌باشد که از آن جمله می‌توان به هزینه‌های تشکیل، چالش‌های مدیریتی و پیچیدگی کار با وجود شرکت‌های تابعه اشاره نمود

## ۲. اداره شرکت هلدینگ

از نظر سیر تحول تشکیل هولینگ‌ها معمولاً شرکت‌ها مراحل زیر را در طول زمان انجام می‌دهند: در ابتدای تأسیس، شرکت کارآفرین کلیه وظایف را بر عهده داشته و فعالیت‌های اصلی شرکت انجام می‌دهد یا بر انجام کارها شخصاً نظارت می‌کند. بعد از توسعه فعالیت اقتصادی نیاز به تقسیم کار بیشتر می‌شود و ساختار به سمت توسعه می‌رود. با توجه به بیشتر شدن حجم تولیدات و تنوع در تولید محصولات برای کنترل هزینه‌ها، نیاز به بخش‌هایی برای کنترل هزینه‌ها احساس می‌شود و زمانی که مدیریت شرکت علاوه بر کنترل هزینه‌ها سودآوری بخش‌های مختلف را ارزیابی کرده و با اختیارات بیشتر فعالیت‌های هر واحد را مستقیماً زیر نظر مدیر آن بخش قرار دهد و هر مرکز مستقل هر مرکز مستقل ضمن تعامل با محیط کسب و کار خود پاسخگوی سود و زیان مربوط به مدیر ارشد هم باید باشد و بعدها این مراکز مستقل تر شده و به شرکت‌های مستقل زیر نظر شرکت اصلی تبدیل می‌شوند.

در کشورهای پیشرفته، اکثریت هلدینگ‌های تشکیل شده بصورت طبیعی بوجود آمده و در اثر توسعه فعالیت شرکتها و به دو صورت مرتبط و یا غیرمرتبط با کسب و کار اصلی توسعه می‌یابند. در کشور ما، بسیاری از هلدینگ‌ها توسط نهادها و سازمانهای دولتی و انقلابی بوجود آمده و به‌عنوان یک ساختار جدید تعریف می‌شوند (جعفری و پارسا، ۱۳۸۹: ۵۴).

دسته‌بندی متنوعی از هلدینگ ارائه شده است که رایج‌ترین و مهمترین طبقه‌بندی‌ها در مورد شرکت مادر است. در این طبقه‌بندی، شرکت‌های مادر به دو دسته کلی طبقه‌بندی می‌شوند:

شرکت هلدینگ سرمایه‌گذاری و شرکت هلدینگ مدیریتی. شرکت هلدینگ سرمایه‌گذاری سازمانی است که سود خود را از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تابعه کسب می‌کند، در حالیکه شرکت‌های هلدینگ مدیریتی علاوه بر اینکه ممکن است از سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار سود ببرند، ولی در فعالیت شرکت‌های تابعه خود دخالت می‌کنند (حنفی زاده و شفیعی، ۲۰۱۶: ۲۳۹).

در تفاوت هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری و مدیریتی باید گفت که هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری سود خود را تنها از طریق میزان سرمایه‌گذاری خود در شرکت‌های تابعه بدست می‌آورند. در این نوع سازمان‌ها، هلدینگ تنها به سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها می‌پردازد و در امور مدیریتی و کنترلی شرکت‌های تابعه دخالتی ندارد. مهمترین پارامتر در این نوع هلدینگ، دوره زمانی دریافت سود و بازگشت سرمایه است؛ اما در هلدینگ علاوه بر سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های تابعه، توانایی تأثیرگذاری بر فرآیندها و ایجاد تعاملات با آنها را نیز دارند. شرکت‌های تابعه این نوع شرکت‌های مادر مدیریتی می‌توانند دارای کسب و کارهای یکسان یا غیریکسان باشند (اکانس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۱).

هلدینگ‌های موفق بیشتر به روش اداره استراتژیک مدیریت مربوط می‌شوند. اداره هولدینگ‌ها در ایران بر اساس مطالعات قانون‌مند نیست و روش‌های اداره آنها با سلیقه و تجربه مدیران منتخب انجام می‌شود، در حالیکه اداره هولدینگ‌ها تفاوت‌های ماهوی با شرکت‌های مستقل دارند. لذا، ما نیازمند آشنایی با سبک‌های اداره خاص هولدینگ‌ها هستیم. بررسی‌های (گلد و کمبل) نشان داده است سه سبک متفاوت در اداره هولدینگ‌ها وجود داشته است: سبک کنترل مالی، سبک کنترل استراتژیک و سبک برنامه‌ریزی استراتژیک. این سه سبک از نگرش‌های متفاوت از دو مقوله تأثیر برنامه‌ریزی و تأثیر کنترل مالی و تقاطع این دو بوجود می‌آید.

در سبک کنترل مالی، برنامه‌ریزی بصورت کامل جزو اختیارات شرکتها بوده و مدیران هولدینگ به عدم تمرکز اعتقاد دارند. هر نوع تصمیم‌گیری مدیران هولدینگ بر اساس انتظارات مالی و بازده سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در درون شرکت‌ها اتخاذ می‌گردد. در سبک برنامه‌ریزی استراتژیک<sup>۲</sup>، هولدینگ درک روشن و صریحی در مورد کسب و کارها داشته و در زمینه تدوین استراتژی کسب و کار به روشنی اظهار نظر می‌کند. استراتژی شرکت‌های تابعه می‌بایستی در چارچوب استراتژی کلان هولدینگ باشد. در سبک کنترل استراتژیک، برنامه‌ریزی استراتژیک توسط شرکت‌های زیرمجموعه انجام می‌شود. اهداف و برنامه‌های کلی معمولاً توسط هولدینگ تأیید می‌شود. واحدهای خدماتی زیر نظر هولدینگ بصورت داوطلبانه در اختیار شرکتها قرار می‌گیرند. برنامه‌ریزی‌های انجام شده توسط شرکتها به نحوی انجام می‌پذیرد تا هولدینگ بتواند مفروضات مربوط به طرح‌های کسب و کار زیر نظر خود را تست و اجرا نماید

1. Echanis

2. Strategic Planning Style

(گلد و کمبل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۹).

اگرچه یک هلدینگ می‌تواند مدیران شرکت‌های تحت مالکیت خود را استخدام و اخراج کند، اما این مدیران در نهایت مسئول عملیات خود هستند. شرکت‌های هلدینگ از مزایای حفاظت در برابر ضرر برخوردار هستند. اگر یک شرکت تابعه ورشکست شود، شرکت هلدینگ ممکن است با زیان سرمایه و کاهش ارزش خالص مواجه شود. با این حال، طلبکاران شرکت ورشکسته نمی‌توانند به طور قانونی شرکت هلدینگ را برای دریافت طلب تعقیب کنند. در نتیجه، به عنوان یک استراتژی حفاظت از دارایی، یک شرکت مادر ممکن است خود را به عنوان یک شرکت هلدینگ ایجاد نماید، در حالی که برای هر یک از خطوط تجاری خود شرکت‌های تابعه ایجاد کند. به عنوان مثال، یک شرکت تابعه ممکن است مالک نام تجاری و علائم تجاری شرکت اصلی باشد، در حالی که شرکت تابعه دیگری ممکن است مالک املاک و مستغلات آن باشد. این تاکتیک برای محدود کردن مواجهه با مسئولیت مالی و حقوقی شرکت هلدینگ (و زیرمجموعه‌های مختلف آن) عمل می‌کند. همچنین، ممکن است با استقرار استراتژی بخش‌های خاصی از کسب و کار آن در حوزه‌هایی که نرخ‌های مالیاتی پایین‌تری دارند، بدهی مالیاتی کلی شرکت را کاهش دهد.

در شرکت‌های هلدینگ با استفاده از ضمانت‌نامه پایین‌دستی، شرکت مادر می‌تواند به نمایندگی از شرکت فرعی، وثیقه برای وام بدهد. در نهایت، این می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا منابع مالی بدهی با نرخ بهره کمتری نسبت به آنچه که می‌توانستند به تنهایی تأمین کنند، دریافت کنند. پس از پشتوانه قدرت مالی شرکت هلدینگ، ریسک شرکت فرعی مبنی بر عدم پرداخت بدهی خود به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد (هوویو و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱: ۵).

شرکت هلدینگ می‌تواند وجوه سرمایه‌گذاری خود را از طریق فروش سهام خود یا شرکت‌های تابعه یا استقراض به دست آورد. همچنین، می‌تواند از پرداخت‌هایی که از شرکت‌های تابعه خود در قالب سود سهام، توزیع، پرداخت بهره، اجاره بها، و پرداخت‌هایی برای عملکردهای پشتیبانی که ممکن است ارائه کند، در آمد کسب کند (همان: ۶).

### ۳. مسئولیت شرکت هلدینگ

برای بررسی مسئولیت شرکت هلدینگ باید نگاهی به رابطه شرکت مادر با شرکت‌های تابعه داشته باشیم. بر این اساس و با توجه به هدف تحقیقی، موضوع مسئولیت شرکت هلدینگ را بدو در نظام حقوقی ایران و سپس، در نظام حقوقی فرانسه بررسی می‌نمایم.

<sup>۱</sup> . Goold and Campbell

<sup>۲</sup> . Hua Hu et al.



### ۱,۳. مسئولیت شرکت هلدینگ در نظام حقوقی ایران

مطالعه نظریه‌های پیرامون ارتباط شرکت مادر با شرکتهای تابعه می‌تواند برای تبیین بهتر ماهیت مسئولیت شرکت هلدینگ مؤثر باشد.

### ۱,۳,۱. نظریه‌های ارتباط شرکت مادر با شرکتهای تابعه

در خصوص رابطه شرکت مادر با شرکتهای تابع و فرعی دو نظریه وجود دارد: یکی، نظریه «وجود مستقل»<sup>۱</sup> و دیگری، «وجود واحد». اصل وجود مستقل در دل خود دربردارنده دو قاعده مهم حقوق شرکتهای است. این دو قاعده عبارتند از: شخصیت حقوقی مستقل شرکت از سهامداران و شرکا و مسئولیت محدود شرکا در برابر ضرر و زیان و بدهی‌های شرکت. این اصل مزایای زیادی را به همراه دارد. وجود شخصیت حقوقی مستقل از شرکا برای شرکت از نظر اقتصادی بسیار کارآمد است و باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی می‌شود؛ زیرا لازم نیست سهام مالکیت اموال شرکت به سهامداران جدید منتقل شود. همچنین، شخصیت حقوقی شرکت این امکان را برای شرکت فراهم می‌کند که تقاضای تسهیلات مالی و تضمین بدهی‌های خود را داشته باشد. مسئولیت محدود نیز ضمن اطمینان به سهامداران در خصوص مصون ماندن اموال و دارایی شخصی از توقیف طلبکاران، این امکان را برای مدیران فراهم می‌آورد که به صورت آزادانه و با اختیار عمل بیشتر در جهت منافع شرکت و سهامداران عمل کنند و ضرورتی نداشته باشد تا سهامداران بر جریان اداره شرکت به طور مستمر نظارت کنند. بدیهی است انتقال سهام در پرتو این اصل به راحتی میسر بوده، به دلیل محدود بودن مسئولیت، سهامداران از سرمایه‌گذاری در فعالیتهای پرریسک‌آبایی‌ندارند و این تنوع سرمایه‌گذاری به پویایی و تحرک اقتصاد کشور منجر می‌شود (رضایی، ۱۳۹۶: ۴۶). در مورد رابطه بین شرکت مادر و تابعه نظریه‌های متفاوتی دیگری نیز وجود دارد از جمله:

**الف - نظریه کنترل و مدیریت:** این نظریه بیان می‌دارد از آنجا که سرمایه‌گذاری شرکتهای مادر، در شرکتهای تابعه با ریسک همراه است، اصولاً، نظارتهایی بر فعالیت و عملکرد شرکتهای تابعه توسط شرکت مادر صورت می‌گیرد. این کنترل و نظارت ممکن است ناشی از مالکیت عمده سهام شرکت مادر باشد و شرکت مادر با گماشتن ناظران یا بازرسان در شرکت تابعه، این کنترل و نظارت را اعمال می‌نماید. برای اثبات کنترل شرکت مادر بر شرکت تابعه، معیارهای مختلفی وجود دارد، مانند: تأمین مالی شرکت تابعه توسط شرکت اصلی جهت سرمایه‌گذاری، روش پرداخت شرکت فرعی به شرکت اصلی، ثبت محاسبات مالی شرکت فرعی در شرکت اصلی، یکسان بودن مدیران و حساب‌برسان و مسئولین شرکت فرعی و شرکت اصلی،

<sup>1</sup> . entity principle

کنترل مؤثر بر فعالیتهای روزانه شرکت فرعی از سوی شرکت اصلی، وجود نظام فروش منسجم و واحد بین دو شرکت، واحد بودن دارایی‌های شرکت اصلی و شرکت فرعی، انجام فعالیت تجاری شرکت اصلی به وسیله شرکت فرعی، نظام فروش یکپارچه در شرکت اصلی و شرکت فرعی، فعالیت شرکت فرعی به عنوان بازوی تجاری شرکت اصلی، استفاده شرکت فرعی از نام تجاری شرکت اصلی، نقل و انتقال کارکنان بین دو شرکت اصلی و فرعی و در نهایت، وجود تصویر تجاری مشترک، جملگی، عناصر و ضوابط اثبات کنترل شرکت اصلی بر شرکت فرعی است (محبی و ضیایی، ۱۳۹۲: ۱۸).

### ب- نظریه نمایندگی<sup>۱</sup>

گاهی، شرکت تابعه به مثابه یک نماینده عمل می‌نماید و در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات، فاقد استقلال است. این فرض زمانی اتفاق می‌افتد که شرکتهای مادر شرکتهای تجاری گروه، به دلایلی همچون ممنوعیت‌های قانونی یا قراردادی، هزینه‌بر بودن یا مسئولیت‌آور بودن برخی فعالیتهای تجاری، اقدام به تأسیس شرکتهای تابعه می‌کنند (جنیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

احراز رابطه فوق با دادگاه بسته به اوضاع و احوال خاص پرونده است؛ به عنوان مثال، اگر احراز شود شرکت تابعه صرفاً شخصیت ثانوی شرکت مادر بوده است، بدین توضیح که شرکت فعالیت تجاری خود را انجام نمی‌دهد، بلکه جهت کنترل شرکت دیگری است و از خود اراده‌ای ندارد؛ در نهایت، تعهدات برای شرکت مادر، به عنوان اصیل خواهد بود و در فرض جبران خسارت، این امکان فراهم است تا به جای نماینده، به اصیل و متعهد اصلی مراجعه شود و وی مسئول قلمداد شود (غلامی و باقرپور، ۱۳۹۹: ۲۹۱).

### ج- نظریه بنگاه اقتصادی منفرد<sup>۲</sup>

شرکتهای عضو یک گروه تجاری، با وجود تمایز و استقلال شخصیت حقوقی، در بعضی مواقع، همگی با هم به گونه‌ای به فعالیت تجاری می‌پردازند و به اندازه‌ای به یکدیگر وابسته‌اند که گویی شخص واحدی هستند و دارای دارایی واحد می‌باشند. اگر شرکت مادر، اثر قطعی و عملی بر شرکت تابعه گذاشته است، می‌تواند اماره بر اختلاط دارایی شرکت مادر و تابعه باشد. به عنوان مثال، جایی که شرکت مادر، تمام سرمایه شرکت تابعه را تملک می‌نماید و یا شرکت مادر، شرکت واسطه‌ای را ایجاد و سپس، آن شرکت واسطه، سرمایه شرکت مادر را تملک می‌نماید، از مصادیق اثر قطعی شرکت مادر بر شرکت تابعه می‌باشد (وندر وود و جونز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲: ۳۷).

<sup>۱</sup> . Representation

<sup>۲</sup> . Single Economic Unit Doctrine

<sup>۳</sup> . Van Der Woud & Jones

### ۳، ۱، ۲. ماهیت مسئولیت شرکت هلدینگ

در احراز رابطه تبعیت و وابستگی میان دو شرکت، باید مراقبت نمود تا شعبه یا نمایندگی از شرکت تابعه تفکیک گردد. در نظام حقوقی ایران مرز دقیقی میان این مفاهیم وجود ندارد، اما می‌توان از پاره‌ای اماره‌ها استفاده کرد و این اصطلاحات را از یکدیگر تمییز داد. از جمله آنها آیین‌نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی است که در دو ماده جداگانه تلاش کرده است به تعریف شعبه و نمایندگی بپردازد. به موجب ماده (۲)، «شعبه شرکت خارجی، واحد محلی تابع شرکت اصلی است که مستقیماً موضوع و وظایف شرکت اصلی را در محل، انجام می‌دهد. فعالیت شعبه در محل، تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود.» در ماده (۴) نیز آمده است: «نماینده شرکت خارجی، شخص حقیقی یا حقوقی است که بر اساس قرارداد نمایندگی، انجام بخشی از موضوع و وظایف شرکت طرف نمایندگی را در محل برعهده گرفته است. نمایندگی شرکت خارجی، نسبت به فعالیت‌هایی تحت نمایندگی شرکت طرف نمایندگی در محل انجام می‌پذیرد، مسئولیت خواهد داشت.»

در ماده الحاقی به نظام‌نامه اجرایی قانون ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰، مقرراتی راجع به حق ثبت شرکت‌های اصلی و فرعی به شرح زیر آمده است: «در خصوص شرکت‌های فرعی که از طرف یک شرکت تشکیل می‌شود، اگر اکثریت سهام شرکت‌های فرعی متعلق به شرکت اصلی باشد، شرکت فرعی از حیث ثبت در حکم شعبه برای شرکت اصلی است. در صورتی که تمام سهام شرکت فرعی متعلق به شرکت اصلی باشد، حق ثبت فقط از سرمایه شرکت اصلی اخذ می‌شود. اگر قسمتی از سهام شرکت فرعی متعلق به شرکت اصلی نباشد، از آن قسمت حق ثبت جداگانه گرفته خواهد شد.»

آنچه در این مواد شناسایی شده و دکترین هم به آن معتقد است، آنکه شعبه شخصیت حقوقی مستقلی ندارد؛ در حالی که نمایندگی دارای شخصیت حقوقی مستقل از شرکت اصلی است. بنابراین، تمییز شعبه از شرکت تابعه کار چندان دشواری نیست (رضایی، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

نمایندگی یک شرکت، همان عاملیت شرکت دیگر است؛ یعنی نمایندگی به نام و حساب شرکت اصلی مبادرت به فعالیت می‌نماید (اسکینی، ۱۳۸۰: ۷۸)؛ مانند نمایندگی ایران خودرو یا سایپا. لذا، موضوع فعالیت نمایندگی عیناً همان موضوع فعالیت شرکت اصلی و یا جزئی از آن است. منتها در مورد شرکت تابعه لزوماً اینگونه نیست و چه بسا موضوع فعالیت شرکت تابعه با شرکت مادر متفاوت باشد. صرف نظر از این معیار، آنچه شرکت تابعه را از نمایندگی تمییز می‌دهد، وجود نوعی کنترل و نظارت بر شرکت تابعه از سوی شرکت مادر است که معمولاً این امر از طریق تملک سهام محقق می‌شود که در مورد نمایندگی این امر صادق نیست.

نماینده بنا بر قرارداد نمایندگی، تعهد می‌کند تا محصولات شرکت اصلی را فروخته،

درصدی را برای خود بردارد. هرچند نماینده تابع رعایت الزامات و تشریفات شرکت اصلی است، این تابعیت ناشی از وجود قرارداد نمایندگی است و نه تملک سهام آن از سوی شرکت اصلی و یا دارا بودن حق انتصاب یا عزل اعضای اداری و هیئت مدیره. در حالی که در شرکت تابعه، شرکت مادر به واسطه تملک اکثریت سهام شرکت تابعه و یا دارا بودن میزان سهام مؤثر می‌تواند در مجامع عمومی تصمیم‌گیری نماید. به طور کلی، شرکت‌های مادر با این هدف که بتوانند برای شرکت تابعه تصمیم‌گیری کنند، بیش از نیمی از سهام آنها را خریداری می‌نمایند. بنابراین، استقلال حقوقی شرکت تابعه حفظ می‌شود؛ هرچند استقلال مالی آنها به کلی از بین می‌رود و امر سیاست‌گذاری در این شرکتها به شرکت‌های مادر انتقال می‌یابد (ساجدی نیا، ۱۳۹۲: ۲۹).

در خصوص مسئولیت لازم نیست شرکت مادر نسبت به شرکت تابع، کنترل و نظارت کامل و تمام‌عیار داشته باشد، بلکه مداخله عملی در اقدامات تجاری و داشتن اطلاعاتی جامع از شرکت تابع و اعتماد و تکیه شرکت تابع به این مداخله شرکت مادر کفایت می‌کند. همچنین، لازم نیست که پذیرش مسئولیت توسط شرکت مادر آگاهانه و تعمداً توسط آن شرکت اظهار و اعلام گردد (مک‌گاکگی، ۲۰۱۱: ۲۶۱).

در صورتی که بخواهیم در برابر تعهد شرکت تابعه‌ای علاوه بر هلدینگ، شرکت‌های تابعه دیگری را که تحت مدیریت واحد یک هلدینگ به فعالیت می‌پردازند، مسئول بدانیم، می‌توان علاوه بر تمسک به قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» از نهاد عاقله نیز کمک جست. مطابق قاعده فقهی مزبور، مسئولیت جبران خسارت منتج شده از فعالیتی، بر عهده کسی است که از آن فعالیت منتفع می‌گردد. از این رو، از آنجا که شرکت هلدینگ به عنوان سهامدار اصلی و مؤثر، علاوه بر سود حاصله از فعالیت شرکت تابعه، از سایر مزایای غیرمستقیم آن منتفع می‌گردد، لذا در صورتی که خسارتی نیز به شخص ثالثی وارد گردد، انصاف و عدالت حکم می‌نماید که وی جبران نماید و در زمان بروز خسارت، در کنار شرکت تابعه درصدد جبران آن برآید. مطابق با نظریه «خطر نامتعارف» نیز زمانی شرکت هلدینگ را می‌توان مسئول جبران خسارت ناشی از فعالیت شرکت تابعه دانست که با سوءاستفاده از امتیاز عدم مسئولیتی که قانون برای وی در نظر گرفته، تصمیماتی بی‌محابا و نامتعارف اخذ نماید و این خسارت ناشی از آن تصمیمات باشد. ولی اگر در چارچوب عرف و مقررات عمل نموده باشد، نمی‌توان به علت بهره‌مندی از امتیازی که قانون برای وی محترم دانسته، وی را مسئول دانست (عبدی پور و کریمی، ۱۳۹۸: ۱۹۱).

تمسک به این قاعده فقهی زمانی است که جبران خسارت از طریق قواعد متعارف و مسلم مسئولیت مدنی امکان‌پذیر نباشد، برای مثال عامل واردکننده زیان مجهول باشد و یا اینکه توانایی جبران خسارت را نداشته باشد و ضرر وارده نیز معتابه باشد و در صورتی که از قاعده مزبور

استفاده نکنیم، ضرر سنگینی بدون جبران باقی بماند. از این رو، برای جلوگیری از تحمیل خسارت وارده به زیان‌دیده، شاید رجوع به کسانی که تاکنون از سود ناشی از فعالیت بهره‌مند گردیده‌اند، راهکار مناسبی باشد (قزوینی، ۱۳۹۳: ۸۴).

### ۲,۳. مسئولیت شرکت هلدینگ در نظام حقوقی فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه، بخش سوم قانون تجارت فرانسه مصوب ۲۰۰۶ میلادی طی مواد ۱-۲۳۳ L تا ۳۱-۲۳۳ L با عنوان «شرکتهای تابعه، سهام و شرکتهای تحت کنترل»<sup>۱</sup> به تعریف و بیان روابط شرکت مادر و تابعه پرداخته است. به موجب ماده ۱-۲۳۳ L این قانون، «در مواردی که شرکتی بیش از نیمی از سرمایه دیگر شرکت را مالک باشد... شرکت مادر آن شرکت شناخته می‌شود». بنابراین، از منظر این قانون، دارا بودن بیش از نیمی از سرمایه شرکت دیگر موجب می‌گردد تا شرکت دوم، شرکت وابسته به شرکت مادر قلمداد شود. ماده ۲-۲۳۳ L بیان می‌دارد: «چنانچه شرکتی بین ۱۰ تا ۵۰ درصد سرمایه شرکت دیگر را مالک باشد، شرکت هلدینگ شناخته می‌شود».

ماده ۳-۲۳۳ L به بیان مؤلفه‌های کنترل یک شرکت از سوی شرکت دیگر پرداخته است. به موجب این ماده، «... شرکت، تحت نظارت و کنترل شرکت دیگر است، چنانچه: الف- شرکت به طور مستقیم یا غیرمستقیم اکثریت سهام شرکت دیگر را مالک باشد، به گونه‌ای که به آن حق اکثریت رأی دادن در مجامع عمومی را بدهد؛ ب- زمانی که شرکت به تنهایی اکثریت سهام دارای حق رأی در آن شرکت را به موجب موافقت‌نامه‌ای که با شرکتهای مادر و یا سهام داران آن شرکت منعقد کرده است، دارا باشد، مشروط بر آنکه این امر مخالف منافع شرکت نباشد؛ پ- زمانی که شرکت به نحو مؤثری و بر اساس میزان سهامی که داراست، مبادرت به اتخاذ تصمیمی در مجامع عمومی می‌نماید؛ زمانی که آن شرکت، شرکت مادر یا سهامدار آن شرکت باشد، اختیار انتصاب و یا عزل اکثریت اعضای اداری شرکت، مدیران و یا ساختار نظارتی را دارد».

ملاحظه می‌شود که نظام حقوقی فرانسه برای تشخیص رابطه شرکت مادر و وابسته به دو معیار توجه کرده است: نخست- دارا بودن اکثریت مطلق سهام دارای حق رأی و دوم- دارا بودن آن میزان سهامی که بتواند در مجامع عمومی تصمیم‌گیری نموده، یا کارکنان، هیئت مدیره و بازرس شرکت را انتصاب یا برکنار کند. آنچه تشخیص شرکتهای مادر و تابعه آنها را در فرانسه با سهولت بیشتری همراه ساخته، الزامی است که این قانون در خصوص انتشار گزارشهای مالی پیش‌بینی نموده است (رضایی، ۱۳۹۶: ۱۶۱).

<sup>۱</sup>. Chapter III, Subsidiaries, shares and controlled companies

به موجب ماده ۱۶-۲۳۳L، «هر ساله اعضای هیئت‌مدیره و دیگر مسئولان شرکت مکلف‌اند گزارش‌های مالی شرکت‌های تابعه خود را که به نحو مستقل یا با همکاری دیگر شرکت‌ها مدیریت می‌نمایند، منتشر نمایند. شایان ذکر است در مارس ۲۰۱۵ مجمع ملی فرانسه لایحه‌ای را در خصوص وظیفه مراقبت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه تصویب کرد و برای بررسی به مجلس سنا فرستاد. پس از آن، برای بار دوم این لایحه به مجلس سنا ارسال گردید که در حال بررسی است (شرپا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۱).

مطالعه و بررسی تحمیل مسئولیت به شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت تابعه در حقوق فرانسه جالب توجه است، زیرا قواعد راجع به خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت که با کنار گذاشتن مسئولیت محدود شرکا درصدد مسئول شناختن آنها و حتی مدیران شرکت است، در این نظام حقوقی جز در موارد خاصی که قانونگذار مجاز دانسته است، مانند ورشکستگی، به درستی تدوین نشده است. از همین رو، برای مسئول شناختن شرکا و حتی شرکت مادر به توافقات قراردادی و غیرقراردادی و به طور خاص، مسئولیت مدنی توسل می‌شود. آسان‌گیری خاصی که قواعد مسئولیت مدنی این دو نظام روا داشته، مزید بر علت شده است تا از مبانی این قواعد برای مسئول شناختن شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت تابعه بهره گرفته شود (رضایی، ۱۳۹۶: ۱۶۲).

در حقوق فرانسه قاعده کلی آن است که هر شخص حقوقی مستقل است؛ حتی در مواردی که آن اشخاص، عضو یک گروه باشند. شرکت، سرمایه مخصوص، به خود دارد و سهامداران تنها به میزان آورده مسئولیت دارند. از این قاعده به «اصل جدایی»<sup>۲</sup> تعبیر می‌شود (بریک کمنز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳: ۱۵۳).

با وجود این، چنانچه اعمال این قاعده به تحقق نتایج غیرقابل قبول از نظر اجتماعی منجر گردد، این قاعده کنار گذاشته شده، به اجرا در نمی‌آید. در هیچ یک از دو نظام حقوقی، قواعد مشخصی در خصوص گروه شرکت‌ها و یا خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت وجود ندارد؛ هرچند بارها تلاش‌هایی برای تصویب چنین قانونی در فرانسه صورت گرفته است. بنابراین، قواعد عام حقوق قراردادهای و مسئولیت مدنی برای مسئول قلمداد کردن سهامداران شرکت به کار گرفته می‌شود (دمایر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵: ۳۹۱).

یکی از ارکان مسئولیت مدنی فعل زیان‌بار است، که در حقوق ایران ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی و در حقوق فرانسه ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه به آن اشاره داشته‌اند. فعل زیان‌بار در جهت تعیین متعهد جبران خسارت ضروری است. مسئول جبران در زنجیره اسباب، شخصی است که

1. Sherpa  
2. Trennungsprinzip  
3. Braeckmans  
4. Demeyere

«فعل زیان‌بار» را انجام داده است که به طور سنتی این فعل باید تقصیرآمیز باشد. در کنار این مبنای سنتی، یعنی تقصیر، مبنای دیگری مانند نظریه خطر، نظریه مختلط، نظریه تضمین و نظریه تعهد ایمنی نیز ارائه شده است (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۳۵).

برابر ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه، «هر اقدامی که منجر به ورود زیان به دیگری شود، چنانچه عامل زیان مرتکب تقصیر شده باشد، ملزم به جبران خسارات وارده می‌باشد.»<sup>۱</sup> ماده ۱۳۸۳ نیز حکم مشابهی را البته در خصوص بی‌مبالاتی که منتهی به ورود خسارت شده، مقرر داشته است. به موجب حقوق فرانسه و برابر مواد یادشده، با تحقق سه شرط تقصیر، زیان و رابطه سببیت بین تقصیر و خسارت وارده، شخص مسئول جبران خسارات وارده به دیگری است. اشخاص، حقوقی هم همانند اشخاص، حقیقی مشمول حکم مقرر در این ماده هستند. در مواردی هم که نماینده شخص حقوقی مرتکب تقصیر گردد، این اقدام به شخص حقوقی نسبت داده می‌شود. بدیهی است اصطلاح «نماینده» به مفهوم اعم تفسیر شده، از جمله دربردارنده مدیر غیررسمی و عملی شرکت هم می‌شود. عنصر نخست، یعنی تقصیر، بیانگر نقض قاعده‌ای قانونی یا وظیفه مراقبت به صورت عمدی یا غیرعمدی است. برای احراز تقصیر، رفتار انسانی متعارف در شرایط حادثه ملاک عمل قرار می‌گیرد (مالنی و وود و فنویه<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۴۵۶).

بدیهی است چنانچه شرکت تابعه مرتکب تقصیر شود، اثبات ارتکاب تقصیر از سوی شرکت مادر کار آسانی نیست. می‌توان بر این عقیده بود که شرکت مادر وظیفه مراقبت را برای خودش به بازترین شکل مقرر داشته و در نتیجه، پذیرش مسئولیت آن در قبال اقدام زیان‌بار شرکت وابسته آسان‌تر است. صرف نظر از این موضوع، این استدلال نیز قابل‌ارائه است که خودداری شرکت مادر از مداخله و نظارت بر اقدامات شرکت تابعه خود تقصیر به شمار می‌رود. برای مثال، در مواردی که شرکت مادر از اقدامات غیرقابل قبول شرکت تابعه اطلاع دارد و اقدامی در جهت جلوگیری و یا اصلاح و تعدیل آن انجام نمی‌دهد، طبیعی است در چنین مواردی قاضی می‌تواند حکم به مسئولیت آن بدهد. برخی پیش‌تر رفته و بر این عقیده‌اند که حتی چنانچه شرکت مادر از اقدام غیرمعقول و منطقی شرکت وابسته اطلاعی نداشته باشد، باز هم مسئول اقدامات زیان‌بار آن شرکت است؛ زیرا شرکت مادر به اندازه کافی به شرکت وابسته نزدیک بوده است تا آن را از انجام آن اقدام غیرقانونی زیان‌بار باز دارد. از این موارد در گروه شرکت‌ها با عنوان مسئولیت مدیر غیررسمی یاد می‌شود (گالز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳: ۱۶۳).

به تعبیر دیگر، شرکت مادر مدیریت شرکت وابسته را پذیرفته و در نتیجه مسئول خواهد بود، زیرا در مدیریت خود دچار تقصیر شده است. در این موارد، در هنگام تصمیم‌گیری برای احراز

<sup>۱</sup>. Tout fait quelconque de l'homme, qui cause à autrui un dommage, oblige celui par la faute duquel il est arrivé à le réparer

<sup>۲</sup>. Fenouillet & Malinvaud

<sup>۳</sup>. Gallez



عنصر تقصیر، قاضی رویه اتخاذشده از سوی مدیر را بررسی و ملاحظه می‌کند. خسارت هم ضرر مادی یا غیرمادی وارده است که اثبات آن کار چندان دشواری نیست. همچنین، خواهان باید رابطه سببیت بین تقصیر و خسارت را اثبات نماید (مالنی وود و فنویه، ۲۰۱۲: ۵۴۷).

## بحث و نتیجه‌گیری

صاحبان مشاغل همیشه به دنبال راه‌هایی برای محافظت از دارایی‌های کسب و کار خود هستند. و در طول سالها تعدادی استراتژی برای کمک به آنها در انجام این کار ایجاد شده است. یکی از مؤثرترین آنها، تقسیم کسب و کار به چندین نهاد تجاری است که همگی تحت مالکیت و کنترل یک شرکت هلدینگ واحد هستند. شرکت هلدینگ، شرکتی است که با دارا بودن چند شرکت تابعه و اعمال نفوذ و کنترل بر آنها، شرکت‌های تحت پوشش را در مسیر ارزش آفرینی و هم‌افزایی هدایت و رهبری می‌کند؛ شرکتی است که دارنده سهام شرکت یا شرکت‌های دیگری باشد. به عبارت بهتر، شرکت مادر، شرکتی است که دارنده بخش زیادی از سهام این شرکت هاست و به این ترتیب، بر آن شرکت‌ها کنترل دارد. شرکت‌هایی که شرکت مادر آنها را تحت کنترل خود دارد، شرکت اقماری خوانده می‌شود. در قوانین ایران، در موارد متعددی از جمله در بند ۲۲ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار، قانون برنامه چهارم توسعه، بند ۱۸ ماده یک قانون اجرای سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ و ماده ۲۶۶ لایحه جدید قانون تجارت به وصیف شرکت هلدینگ پرداخته است. از خصوصیات شرکت مادر، داشتن حق رأی در مجمع عمومی شرکت‌های تابعه به موجب سهامدار بودن در این شرکت‌ها و همین‌طور، توانایی انتخاب و یا عزل مدیران آن شرکت‌هاست که از آن به عنوان قاعده «سهام بلو ک»، یعنی داشتن یک عضو هیئت‌مدیره نام برده می‌شود. از خصوصیات بارز دیگر شرکت هلدینگ این است که می‌تواند هم برای فعالیت‌های تجاری وسیع و هم فعالیت‌های تجاری خرد استفاده شود. همچنین، یک شرکت هلدینگ باید شرکت‌های تابعه خود را کنترل کند، اما لزوماً نیازی به مالکیت تمام سهام یا منافع عضویت ندارد. از آنجایی که شرکت‌های عامل نهادهای جداگانه‌ای هستند، سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌ها یا سایر سرمایه‌گذاری‌هایی که به نظر خطرناک می‌رسند، ریسک کمتری دارد. البته، مهم نیست که صاحبان و مدیران هلدینگ از آن مشاغل اطلاعی نداشته باشند، زیرا هر شرکت تابعه مدیریت خود را برای اجرای عملیات روزانه دارد. یک شرکت هلدینگ در کنار مزایا، دارای معایبی نیز می‌باشد که از آن جمله می‌توان به هزینه‌های تشکیل، چالش‌های مدیریتی و پیچیدگی کار با وجود شرکت‌های تابعه اشاره نمود. اداره هولدینگ‌ها در ایران بر اساس مطالعات قانون‌مند نیست و روش‌های اداره آنها با سلیقه و تجربه مدیران منتخب می‌باشد؛ در حالیکه اداره هولدینگ‌ها تفاوت‌های ماهوی با شرکت‌های مستقل دارند. لذا، ما نیازمند آشنایی با سبک‌های اداره خاص



هولدینگ‌ها هستیم. بررسی‌های (گلد و کمبل) نشان داده است سه سبک متفاوت در اداره هولدینگ‌ها وجود داشته است: سبک کنترل مالی، سبک کنترل استراتژیک و سبک برنامه ریزی استراتژیک. این سه سبک از نگرش‌های متفاوت از دو مقوله تأثیر برنامه‌ریزی و تأثیر کنترل مالی و تقاطع این دو بوجود می‌آید. درخصوص رابطه شرکت مادر با شرکتهای تابع و فرعی دو نظریه وجود دارد: یکی، نظریه «وجود مستقل» و دیگری، «وجود واحد». در مورد رابطه بین شرکت مادر و تابعه نظریه‌های متفاوتی دیگری نیز از جمله نظریه کنترل و مدیریت، نظریه نمایندگی و نظریه بنگاه اقتصادی منفرد وجود دارد. در احراز رابطه تبعیت و وابستگی میان دو شرکت، باید مراقبت نمود تا شعبه یا نمایندگی از شرکت تابعه تفکیک گردد. در نظام حقوقی درخصوص مسئولیت لازم نیست شرکت مادر نسبت به شرکت تابعه، کنترل و نظارت کامل و تمام‌عیار داشته باشد، بلکه مداخله عملی در اقدامات تجاری و داشتن اطلاعاتی جامع از شرکت تابعه و اعتماد و تکیه شرکت تابعه به این مداخله شرکت مادر کفایت می‌کند. همچنین، لازم نیست که پذیرش مسئولیت توسط شرکت مادر آگاهانه و تعمداً توسط آن شرکت اظهار و اعلام گردد. در صورتی که بخواهیم در برابر تعهد شرکت تابعه‌ای علاوه بر هلدینگ، شرکت‌های تابعه دیگری را که تحت مدیریت واحد یک هلدینگ به فعالیت می‌پردازند، مسئول بدانیم، می‌توان علاوه بر تمسک به قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» از نهاد عاقله نیز کمک جست. نظام حقوقی فرانسه برای تشخیص رابطه شرکت مادر و وابسته به دو معیار توجه کرده است: نخست - دارا بودن اکثریت مطلق سهام دارای حق رأی و دوم - دارا بودن آن میزان سهامی که بتواند در مجامع عمومی تصمیم‌گیری نموده، یا کارکنان، هیئت مدیره و بازرس شرکت را انتصاب یا برکنار کند. آنچه تشخیص شرکت‌های مادر و تابعه آن‌ها را در فرانسه با سهولت بیشتری همراه ساخته، الزامی است که این قانون درخصوص انتشار گزارش‌های مالی پیش‌بینی نموده است. به موجب حقوق فرانسه و برابر مواد یادشده، با تحقق سه شرط تقصیر، زیان و رابطه سببیت بین تقصیر و خسارت وارده، شخص مسئول جبران خسارات وارده به دیگری است. اشخاص، حقوقی هم همانند اشخاص، حقیقی مشمول حکم مقرر در این ماده هستند. در مواردی هم که نماینده شخص حقوقی مرتکب تقصیر گردد، این اقدام به شخص حقوقی نسبت داده می‌شود. بدیهی است اصطلاح «نماینده» به مفهوم اعم تفسیر شده، از جمله دربردارنده مدیر غیررسمی و عملی شرکت هم می‌شود. عنصر نخست، یعنی تقصیر، بیانگر نقض قاعده‌ای قانونی یا وظیفه مراقبت به صورت عمدی یا غیرعمدی است. برای احراز تقصیر، رفتار انسانی متعارف در شرایط حادثه ملاک عمل قرار می‌گیرد. بدیهی است چنانچه شرکت تابعه مرتکب تقصیر شود، اثبات ارتکاب تقصیر از سوی شرکت مادر کار آسانی نیست. می‌توان بر این عقیده بود که شرکت مادر وظیفه مراقبت را برای خودش به بازنترین شکل مقرر داشته و در نتیجه، پذیرش مسئولیت آن در

قبال اقدام زیان‌بار شرکت وابسته آسان‌تر است.

## منابع

- جدیدی، رحمت‌الله؛ کریمی، فاطمه و آزموده، الهام (۱۳۹۳). شرکتهای هلدینگ و استراتژی‌های آن. کنفرانس بین‌المللی حسابداری. اقتصاد و مدیریت مالی. تهران.
- <https://civilica.com/doc/325324/>
- رضایی، علی (۱۳۹۶). مبانی مسؤلیت شرکت مادر در قبال شرکت تابع (مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی انگلیس و ایران). پژوهشهای حقوق تطبیقی، ۲۱(۳): ۷۴ - ۳۷.
- <https://clr.modares.ac.ir/article-20-1442-fa.html>
- ساجدی نیا، محسن (۱۳۹۲). استراتژیهای ارزش آفرین در شرکتهای هلدینگ. تهران: انتشارات ترمه.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۰). حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵). قاعده تعیین مسئول جبران خسارت بر مبنای فعل زیان بار. حقوقی دادگستری، ۸۰(۹۴): ۲۵۸ - ۲۶۵.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=290624>
- زنده دل، بابک (۱۳۸۵). توسعه مدل برنامه ریزی استراتژیک بر اساس رویکرد BSC. دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- رضایی، علی (۱۳۹۶). مسؤلیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، بلژیک و ایران). مطالعات حقوق تطبیقی، ۸(۱): ۱۷۷ - ۱۵۱.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=303119>
- جنیدی، لعیا و زارع، ملیحه (۱۳۹۴). اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسؤلیت مدیران شرکتهای سرمایه در قبال دیون پرداخت نشده شرکت. مطالعات حقوق تطبیقی، ۶(۱): ۱۰۵ - ۸۵.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=251104>
- کاویانی، کورش و قاسمی مقدم، سعیده (۱۳۹۴). مسؤلیت شرکت مادر در برابر بدهی شرکتهای فرعی ورشکسته. پژوهشهای حقوق خصوصی، ۵(۵): ۵۰ - ۲۷.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1836485/>
- بابایی زکلیکی، محمدعلی (۱۳۸۳). شرکت‌های مادر الزام یا اختیار. مجله تدبیر، ۴(۴۷): ۱۳ - ۴.
- <http://ensani.ir/fa/article/146291/>
- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۰). حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، چاپ ۹. تهران: انتشارات سمت.
- محمدی، علیرضا (۱۳۹۰). سازمان دهی بنگاه هولینگ، ضرورت مزایا چالش‌ها. اولین کنفرانس بین‌المللی هولینگ.
- <https://civilica.com/doc/۲۲۴۹۹۰>
- عبدی پور، ابراهیم؛ کریمی، بشری (۱۳۹۸). اعمال قواعد سنتی مسؤلیت مدنی غیر قراردادی بر مسؤلیت شرکت هلدینگ در قبال اقدامات شرکت‌های تابعه. آموزه‌های فقه مدنی، ۱۱(۲۰): ۲۱۱ - ۱۷۹.
- <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=494455>
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی طرح مسؤلیت مدنی ناشی از فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه. حقوق و علوم سیاسی، ۴۲(۴): ۲۶۸ - ۲۴۹.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=204528>

- سبحان‌اللهی، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۱). الگوی تعامل استراتژیک در شرکتهای هلدینگ. مطالعات مدیریت راهبردی، ۳(۱۲): ۴۲ - ۱۵.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=477593>

- Thompson, Strickland, (2001). "Strategic Management", New York: McGraw Hill.

- Bai, C., Dhavale, D., & Sarkis, J. (2016). Complex investment decisions using rough set and fuzzy c-means: An example of investment in green supply chains. *European Journal of Operational Research*, 248(2) : 507 – 521.

<https://ideas.repec.org/a/eee/eiores/v248v2016i2p507-521.html>

- Mcgaughey, E, 'Donoghue v. (2013). Salomon in the High Court', *Journal of Personal Injury Law*, 4(11): 603 – 609.

<https://www.istor.org/stable/41857488>

- Malinvaud, P & Fenouillet, D (2012). *Droit des obligations*, LexisNexis, Paris.

- Hanafizadeh, Payam. Shafiei Nikabadi, Mohsen (2016). Framework for selecting an appropriate e-business model in managerial holding companies Case study: Iran Khodro. *Journal of Enterprise Information Management*, 24(3): 325 – 354.

<https://scholar.google.com/citations?user=0US6kOUAAAAJ&hl=en>

- Gallez, Z., (2013). 'La responsabilité de la société mere pour sa filiale: réflexions sur la levée du voile social'. in Les multinationals– Statut et réglementations. Larcier. Brussels.

- Goold, Michae, Campbell, Andrew (2022). Strategies and Styles. *The Ashridge Strategic Management Centre*. Basil Blackwell.

- Echanis, Erlinda (2009). Holding Companies: A Structure for Management Diversification. *Philippine Management Review*, (16): 1 – 12.

<https://docslib.org/doc/12604375/holding-companies-a-structure-for-managing-diversification>

- Hua Hu, Kuang et al. (2021). Identifying the key factors of subsidiary supervision and management using an innovative hybrid architecture in a big data environment. *Financial Innovation*, 7(10): 1 – 27.

<https://jfin-swufe.springeropen.com/articles/10.1186/s40854-020-00219-9>